

راهکارهای عملی برای انطباق بانکداری اسلامی با ضوابط و مقررات بانکی بین‌المللی

پرویز عقیلی کرمانی^۱

چکیده

در این مقاله به منظور بررسی میزان تطابق بانکداری اسلامی با بانکداری متداول، چهار نظریه پایه‌ای اقتصاد و مالی، شامل نرخ سود، اصل ریسک‌گریزی سپرده‌گذاران بانکی، مدیریت پرتفوی و خط بازار سرمایه، و نظریه هزینه مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که در حقیقت آنچه منتقدان آن را نقطه ضعف قانون بانکداری بدون ربای کنونی می‌دانند، در حقیقت نقطه قوت قانون است و در صورتی که امکان انجام آنچه را که منتقدان از بانکداری اسلامی انتظار دارند از آن حذف کنیم، در آن صورت قانونی را خواهیم داشت که در همان حال که "شرعی" است کاملاً با بانکداری سنتی نیز هماهنگی خواهد داشت.

کلمات کلیدی: بانکداری اسلامی، نرخ سود، اصل ریسک‌گریزی، مدیریت پرتفوی، نظریه هزینه مالی.

^۱ مدیر عامل بانک کارآفرین

مقدمه

هر چند ایرادهایی به قانون بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳۶۳ وارد است، باید اذعان داشت که عملی که با سرعت و در حداقل زمان ممکن انجام گرفت، بسیار خوب و قابل تمجید و تحسین است. در این گزارش با بررسی چهار نظریه پایه‌ای اقتصاد و مالی شامل نرخ سود، اصل ریسک‌گریزی سپرده‌گذاران بانکی، مدیریت پرتفوی و خط بازار سرمایه، و نظریه هزینه مالی به این نتیجه خواهیم رسید که در حقیقت آنچه منتقدان آن را نقطه ضعف قانون بانکداری بدون ربا کنونی می‌دانند، در حقیقت نقطه قوت قانون است، و در صورتی که امکان انجام آنچه را که منتقدان از بانکداری اسلامی انتظار دارند از آن حذف کنیم، در آن صورت قانونی را خواهیم داشت که در همان حال که "شرعی" است کاملاً با بانکداری سنتی نیز هماهنگی خواهد داشت.

در بخش ۱، با استفاده از سه نظریه اقتصادی "نظریه بهره"، "رجحان نقدینگی برای مقابله با ریسک" و "انتخاب سرمایه‌گذاری‌ها و منحنی کارای سرمایه‌گذاری" ترجیحات سپرده‌گذاران را مورد بررسی قرار خواهیم داد و نشان خواهیم داد که در وضعیت برقراری قوانین بانکداری اسلامی، نتایج چگونه تغییر خواهند کرد.

در بخش ۲، به بحث تأمین مالی خواهیم پرداخت. شیوه‌های مختلف تأمین مالی بنگاه به اجمال مورد بررسی قرار گرفته، و به تحلیل شرایط در وضعیت بانکداری اسلامی خواهیم پرداخت. در بخش ۳ انواع مؤسسات ارایه‌کننده خدمات پولی و مالی معرفی شده‌اند و وظایف هر یک براساس تعریف خاص آنان ارایه شده است. این بخش کمک خواهد کرد تا با تفکیک این مؤسسات از یکدیگر، از هر کدام وظایف متناسب را انتظار داشته باشیم.

در بخش ۴ با ورود به بحث بانکداری اسلامی، برخی از انتقادات مطرح شده در این مورد را بررسی خواهیم کرد. همچنین با تأکید بر الگوی بانکداری اسلامی، با مقایسه میان بانکداری سنتی (به معنای بانکداری معمول در دنیا) و بانکداری اسلامی خواهیم پرداخت.

سرانجام در بخش آخر، به نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده خواهیم پرداخت.

۱- موقعیت سرمایه‌گذار (سپرده‌گذار) در مؤسسات سرمایه‌پذیر

در این قسمت، نتیجه سه مقاله نظریه بهره (سود) ایروینگ فیشر^۱، نظریه رجحان نقدینگی برای مقابله با ریسک‌جیمز توبین^۲ و سرانجام نظریه انتخاب سرمایه‌گذاری‌ها و منحنی کارا سرمایه‌گذاری‌ها مارکوویتز^۳ مورد بررسی قرار گرفته است. رعایت اصل "انصاف" که هم شرعی^۴ است و هم یکی از اصول موردنظر در دنیا است (در حاکمیت شرکتی رعایت منافع ذی‌نفعان الزامی است) می‌بایست در مورد سپرده‌گذاران که یکی از ذی‌نفعان اصلی مؤسسات اعتباری و سپرده‌پذیر هستند مورد توجه قرار گیرد.

اول- فرمول تعریف نرخ بهره فیشر عبارت است از $i_n = i_r + I + \sigma$ به بیان دیگر نرخ سود اسمی (i_n) باید حداقل برابر نرخ بهره واقعی (i_r) به اضافه شاخص تورم (I) باشد و بالاخره عامل ریسک (σ) به آن اضافه می‌شود. مشاهده می‌شود که نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران، باید حداقل معادل نرخ واقعی سود (که معمولاً در همه کشورهای بین ۳-۵ درصد است)^۵ به اضافه شاخص تورم (متوسط نرخ تورم برای چندین سال یا تورم مورد انتظار) باشد. بنابراین نرخ سود دستوری که بدون توجه به عوامل ذکر شده تعیین می‌شود، در نهایت ظلم به سپرده‌گذاران است که مسلماً مورد نظر دستوردهندگان نبوده است.

^۱ Irving Fisher

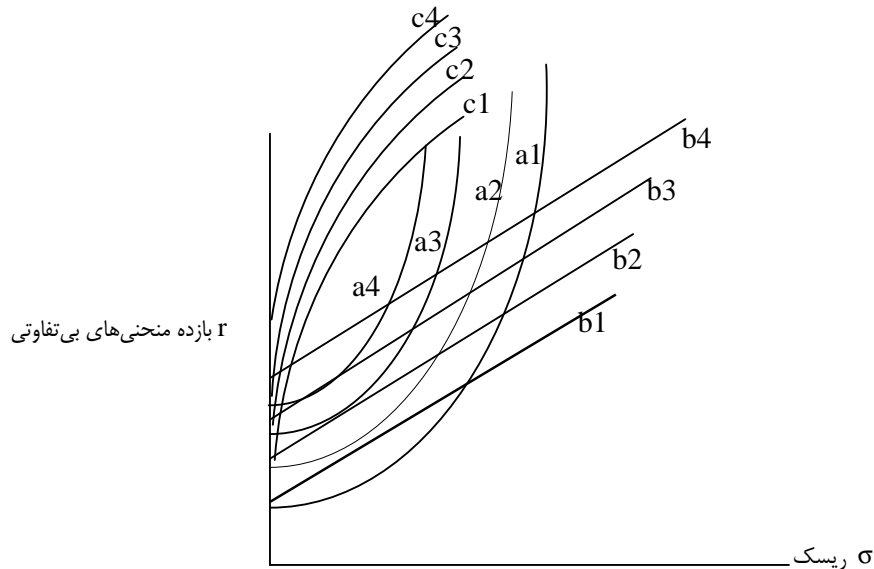
^۲ Liquidity Preference as Behavior Towards Risk by James Tobin

^۳ Portfolio Selection – Efficient Diversification of Investment – A. Markowitz

^۴ لا تظلمون و لا تظلمون – سوره بقره آیه ۲۷۹

^۵ بستگی به فرهنگ جامعه و روش پس‌انداز یا مصرف در کشور مربوطه دارد.

نمودار ۱: رابطه بازده و ریسک سرمایه‌گذاری



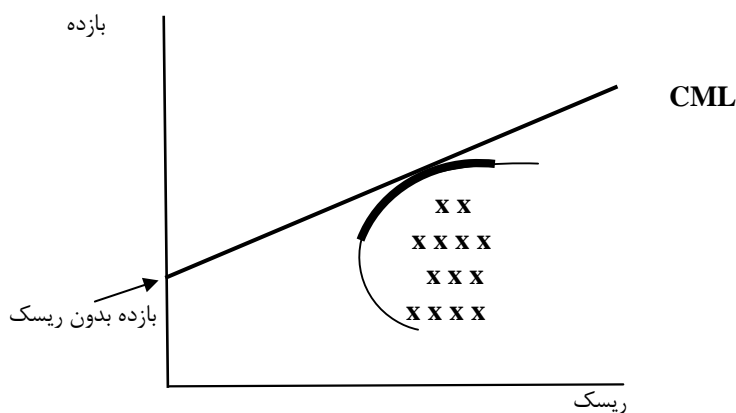
دوم- اصولاً سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز هستند. این امر در مورد افرادی که در بازار با نرخ ثابت از پیش تعیین شده یا حتی در سهام (که بازده آن در آخر دوره معلوم می‌شود) سرمایه‌گذاری می‌کنند صدق می‌کند. البته در هر دو مورد ترجیح و میل به نقدینگی ایشان برای مقابله با ریسک است.

اکثر سرمایه‌گذاران دارای تابع بی‌تفاوتی یا مطلوبیت به شکل $a_1 \dots a_n$ هستند (یک حداکثری از ریسک را می‌پذیرند)، تعدادی نیز رفتارشان با منحنی‌های $b_1 \dots b_n$ همخوانی دارد (در صورتی که نرخ بازده مورد انتظار افزایش یابد ریسک بیشتر قابل تحمل است) و حتی رفتار بعضی با $c_1 \dots c_n$ تطبیق دارد (قماربازان که در مقابل ریسک بسیار زیاد بازدهی تعیین شده‌ای را قبول می‌کنند، نمودار ۱).

سوم- از سوی دیگر سرمایه‌گذاری‌های موجود در بازار یا طبق تعریف محدود آن، "سهام در بورس اوراق بهادار"، هر کدام ریسک و بازدهی خود را دارند و "پرتفوی کارا" که روی منحنی در نمودار ۲ نشان داده شده، پرتفویی است که برای یک ریسک تعیین شده بالاترین بازده و

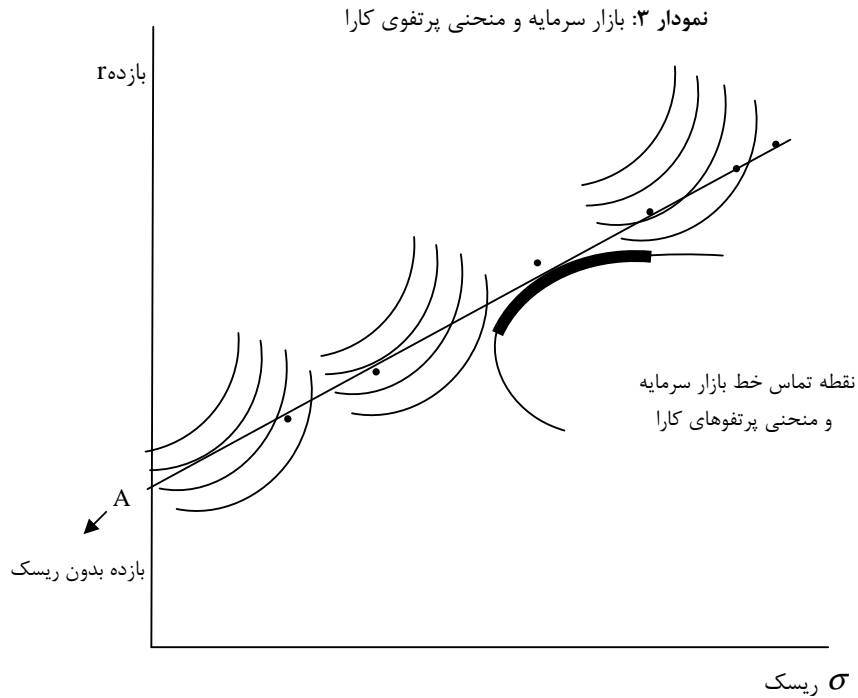
برای بازده مشخص شده کمترین ریسک را داشته باشد. آن ترکیب سرمایه‌گذاری (پرتفو) که با خط ضخیم‌تر روی منحنی نشان داده شده است، "پرتفوی کارا" نامیده می‌شود. بدیهی است که تسهیلات بانکی را می‌توان به سرمایه‌گذاری‌هایی تشبیه کرد که هر کدام ریسک و بازده متفاوتی دارند و دست‌کم در نظریه می‌توان پرتفوی تسهیلات کارا را برای بانک نیز ترسیم کرد.

نمودار ۲: پرتفوی کارا



حال می‌توان ابزار بدون ریسک (مثلاً اوراق مشارکت دولتی) را مدنظر قرار داد و ترکیبی از پرتفوی ابزار ریسکی (که بر روی پرتفوی کارا قرار دارند) و ابزار بدون ریسک، پرتفوی ایده‌آل را برای سرمایه‌گذاران (یا بانک) ایجاد نمود. در اصطلاح خطی که از نقطه بازده بدون ریسک مماس بر منحنی پرتفوی سرمایه‌گذاری‌های ریسکی ترسیم می‌شود، خط بازار سرمایه^۱ نامیده می‌شود.

^۱ CML: Capital Market Line



ملاحظه می‌شود که اشخاص مختلف با منحنی‌های بی‌تفاوتی مختص خودشان در نقاط مختلف CML یا خط بازار سرمایه را قطع می‌کنند و این نقاط بیشترین فایده^۱ را برای آنها ایجاد می‌کند.

حال اگر "ریسک اعتباری" تسهیلات بانک را ثابت فرض کنیم و ریسک تغییرات "نرخ بهره" را مورد بررسی قرار دهیم، در آن صورت تسهیلات تحت عقود مشارکتی، پرتفویی را تشکیل می‌دهند که پرتفوی کارای آن در نقطه B مماس بر خط بازار سرمایه برای بانک می‌شود و متوسط نرخ بازده عقود مبادله‌ای نیز نقطه A می‌باشد (نمودار ۳). بنابراین اگر قرار بود بانک‌ها فقط از عقود مشارکتی استفاده کنند، بسیار بعید بود که می‌توانستند پرتفویی از تسهیلات داشته باشند که همگی در نقطه B قرار گیرند.

^۱ Utility

۲- موقعیت سرمایه‌پذیر و هزینه تأمین مالی

اول- روی دیگر سکه "درآمد یا بازدهی" برای "سرمایه‌گذاران یا سپرده‌گذاران"، هزینه تأمین مالی^۱ از نظر "سرمایه‌پذیران" یا شرکت‌های استفاده‌کننده از منابع بانک‌ها می‌باشد. در طرف چپ ترازنامه هر شرکت (اعم از تولیدی، خدماتی، ساختمانی، ۰۰۰) پنج روش عمومی تأمین مالی وجود دارند که عبارتند:

الف- اعتبارات کوتاه‌مدت

ب- بستانکاران یا تسهیلات دریافتی از فروشندگان مواد

ج- وام‌های بلندمدت یا اوراق قرضه

د- سهام ممتاز یا اوراق مشارکت یا تسهیلات دریافتی از سهامداران

ه- سرمایه یا سهام عادی و اندوخته‌ها

دوم- همان‌طور که مشخص شده بند (الف) دارای حداقل ریسک و بند (ه) دارای حداکثر ریسک است. هرچه از (الف) به طرف (ه) حرکت کنیم منابع بعدی ریسکی‌تر شده و الزاماً اعطاءکنندگان این منابع بازده بیشتری را انتظار دارند. به بیان دیگر در صورت تأمین مالی از طریق بند (ه) بالاترین هزینه مالی برای شرکت سرمایه‌پذیر متصور است. در بانکداری اسلامی منحصر به استفاده از عقودمشارکتی، بندهای (الف) و (ه) از جمع منابع قابل دسترس سرمایه‌پذیران حذف شده است و این سبب می‌شود که "متوسط موزون هزینه تأمین مالی" برای مؤسسات ایرانی حتی در حالت برابر اقتصادی/سیاسی بالاتر از شرکت‌های مشابه در کشورهایی که دارای سیستم بانکداری سنتی هستند باشد. بنابراین اگر حتی اصلاحات لازم در قانون مالیات‌ها و قانون کار اعمال می‌شد تا تولیدکنندگان ایرانی بتوانند تحت سازمان تجارت جهانی^۲ رقابت کنند، هزینه تأمین مالی و قانون بانکداری بدون ربا با تعریف محدود (فقط عقودمشارکتی) یکی دیگر از عوامل بازدارنده شرکت‌های ایرانی می‌شد که هزینه اضافی مالی بر آن‌ها تحمیل شده و عملاً قادر به رقابت بین‌المللی نباشند.

¹ Cost of Capital

² WTO: World Trade Organization

۳- موقعیت سیستم بانکداری تجاری سنتی در بازار پول و سرمایه

اول- از آنجا که تعداد و انواع واسطه‌های مالی در کشور محدود هستند، تمام نیازهای پولی و مالی، کمبود سرمایه و غیره را می‌خواهیم از طریق سیستم بانکی جبران کنیم. اگر دولت کسری بودجه دارد از سیستم بانکی کمک می‌خواهد، اگر سرمایه‌گذار کمبود سرمایه دارد با منابع بانکی می‌خواهد آن را جبران کند. باید توجه داشت که اصولاً بانک تجاری قرار است نیازهای کوتاه‌مدت اشخاص حقوقی، اعم از تولیدی، خدماتی، بازرگانی و ... را تأمین کند. این مؤسسه نمی‌تواند و نباید هم تأمین‌کننده منابع استقراضی باشد و هم سرمایه‌گذار.

در جدول شماره ۱ مهم‌ترین عملیات مؤسسات فعال در بازار پول و سرمایه مشخص شده است. در صورتی که هرکدام وظایف اصلی خود را خوب انجام دهند، بااطمینان حقوق و منافع ذی‌نفعان مؤسسات بهتر رعایت می‌شود.

جدول شماره ۱: نقش ارکان بازار پول و سرمایه

خدمات مالی	بدون تأمین مالی	سرمایه و سهام عادی	اوراق قابل تبدیل به سهم و سهام ممتاز	اوراق قرضه و مشارکت	تسهیلات بلندمدت بانکی	تسهیلات کوتاه مدت بانکی	خدمات پولی مؤسسات
							بانک تجاری
							شرکت تعاونی اعتبار
							صندوق پس انداز و وام مسکن
							شرکت لیزینگ
							بانک توسعه
							بیمه حوادث
							بیمه عمر
							شرکت سرمایه‌گذاری باز
							شرکت سرمایه‌گذاری بسته
							شرکت سرمایه‌گذاری ریسکی
							صندوق بازنشستگی
							بانک سرمایه‌گذاری
							کارگزاری بورس

دوم- چنانچه در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود هر یک از مؤسسات نقش تعیین شده‌ای در بازار پول و سرمایه دارند و منابع و تأمین‌کنندگان منابع برای مؤسسات متفاوتند. رکن نظارتی

برای بخش‌های مختلف از یکدیگر متمایز هستند. کفایت سرمایه و شرایط فعالیت هر یک مختص گروه مربوطه است و سایر نکاتی که باید بدان توجه شود.

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، اگر بانک تجاری که منابع آن متعلق به مردم است در فعالیت ریسکی خرید سهام و عقود مشارکتی وارد شود، احتمال زیان‌های هنگفت در یک بازار پیشرفته کاملاً قابل انتظار است. کلام آخر اینکه در صورتی که مردم تأمین‌کننده منابع، انتظار ریسک با پولشان را ندارند، عامل (بانک) نمی‌تواند و نباید سرخود منابع مردم را در فعالیت‌های ریسکی به مصرف رساند.

جدول شماره ۲: منابع و مصارف فعالان بازار پول و سرمایه

مؤسسات	نحوه تأمین منابع	مدت منابع	ترتیب مصرف منابع	مدت	ریسک
بانک تجاری	سپرده‌های مردمی	اکثراً کوتاه‌مدت	تسهیلات	کوتاه مدت	حداقل ممکن
تعاونی اعتبار	سپرده‌های اعضا	کوتاه مدت	تسهیلات	میان مدت	بیش از بانک تجاری
صندوق پس‌انداز و وام مسکن	سپرده‌های مردمی	کوتاه‌مدت و میان مدت	تسهیلات مسکن	بلندمدت	بیش از بانک تجاری
شرکت لیزینگ	تسهیلات بانکی یا استقراض از طریق بازار سرمایه	میان مدت	تسهیلات برای دارایی‌های منقول	میان مدت	بیش از بانک تجاری
بانک توسعه	منابع دولتی	طولانی مدت	تسهیلات برای دارایی‌های ثابت	بلندمدت	بیش از بانک تجاری
بیمه حوادث	حق بیمه‌های دریافتی و ذخائر	کوتاه‌مدت	خسارت، سرمایه گذاری	میان مدت	بیش از بانک تجاری
بیمه عمر	حق بیمه‌های دریافتی و ذخائر	میان مدت و بلندمدت	خسارت، سرمایه گذاری	بلندمدت	الزاماً بیش از بانک تجاری
سرمایه‌گذاری باز	فروش سهام به مردم - عمومی	بلندمدت	خرید سهام بورسی	بلندمدت	به مراتب ریسکی‌تر از بانک
سرمایه‌گذاری بسته	سهام خریداری شده توسط چند فرد - معمولاً خصوصی	بلندمدت	خرید سهام بورس یا غیر بورسی	بلندمدت	به مراتب ریسکی‌تر از بانک
سرمایه‌گذاری ریسکی	افراد ثروتمند صندوق‌های بازنشستگی	بلندمدت	خرید سهام غیر بورسی	بلندمدت	ریسک بسیار بالا
صندوق بازنشستگی	حق بازنشستگی مردمی	بلندمدت	خرید سهام ممتاز و عادی	بلندمدت	ریسک بیش از بانک
بانک سرمایه‌گذاری	سهامداران	بلندمدت	خرید سهام و پذیره نویسی	کوتاه‌مدت	ریسک بیش از بانک تجاری
کارگزاری بورس	سهامداران	بلندمدت	خرید و فروش سهم برای دیگران	کوتاه‌مدت	الزاماً ریسک بیشتری ندارد

۴- بانکداری اسلامی

۴-۱- بانکداری بدون ربا

- قانون بانکداری بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۳ از ابتدای سال ۱۳۶۴ به اجرا درآمد. مهم‌ترین نکات مربوط به این قانون عبارتند از:
- الف-** براساس "عقد وکالت" یا "قرض الحسنه" وجوه سپرده‌گذاران دریافت می‌شود. سود علی‌الحسابی به سپرده‌گذاران پرداخت می‌گردد و در پایان سال براساس کارکرد بانک، سپرده‌گذاران نسبت به درآمدهای مشاع بانک ذی‌نفع‌اند. اصل مبلغ سپرده توسط بانک دریافت‌کننده سپرده تضمین شده است.
- ب-** علاوه بر عقد قرض (تسهیلات قرض الحسنه)، بانک‌ها تحت عقد بیع (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین و جعاله) و عقد مشارکت (سلف، مشارکت مدنی، مضاربه، مشارکت حقوقی و مشارکت مستقیم) تسهیلات در اختیار سرمایه‌پذیران قرار می‌دهند.
- ج-** مبلغ سود قابل قبول در عقود بر پایه بیع توسط بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود و حداقل سود مورد انتظار نیز برای حفظ منابع بانکی در عقود مشارکتی تعیین می‌شود.
- د-** تا قبل از تأسیس بانک‌های خصوصی، بانکداری بدون ربا با توجه به منابع بانکی انجام می‌شد، لیکن هیچ‌کدام از بانک‌های دولتی سودی افزون بر سودی که به‌صورت علی‌الحساب به سپرده‌گذاران می‌دادند به آنان پرداخت نکردند. بانک‌های دولتی برای تأمین بعضی از طرح‌ها از عقود مشارکتی استفاده می‌کردند، ولی سود بیشتر خود را در مقابل تضمین سود حداقل تعیین شده با سرمایه‌پذیر صلح می‌کردند. تا آنجایی که اطلاع داریم در هیچ‌کدام از عقود مشارکتی، حتی مضاربه کوتاه‌مدت خرید و فروش کالا هیچ بازرگان مسلمان و شریفی سودی مازاد بر حداقل سود تعیین شده به بانک تسهیلات‌دهنده پرداخت نکرده است.
- ه-** در تمام دوران بانکداری بدون ربا به استثنای (۱۳۸۴-۱۳۸۱)، نرخ سود واقعی^۱ منفی بوده است $(i_n - I = i_r \leq 0)$. در تمام این دوران در فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک از فرمول اشتباه محاسبه اقساط استفاده شده و زیان هنگفتی به خزانه دولت وارد شده است. زیان دولت را می‌توان به حساب یارانه برای تسهیلات‌گیرندگان - عمدتاً طبقه مرفه جامعه - پذیرفت، لیکن محاسبه نادرست فوق چه در تعیین نرخ و چه در فرمول،

^۱Real Rate of Interest

سبب سود پائین سیستم بانکی و نپرداختن سود مشاع سپرده‌گذاران که حداقل از نظر تعداد ده برابر تسهیلات گیرندگان بوده اند، شده است.

۲-۴- ایراد بعضی از منتقدان درباره مشارکت نکردن بانک‌ها

مشکل اساسی انتقاد مطرح شده این است که فقط به یک طرف ترازنامه یا فعالیت بانک توجه شده است. به بیان دیگر فقط تسهیلات دیده شده و به منابع بانک که قسمت اعظم آن متعلق به سپرده‌گذاران است توجه نشده است. این منتقدان انتظار دارند که بانک با سرمایه‌پذیران شراکت کند. اگر بانک از سهم سرمایه خود مشارکت نماید قابل قبول است و احتمالاً مشکلی نیست، جز اینکه این وجوه در مقایسه با منابع مردمی بانک بسیار ناچیز است. لیکن منابع سپرده‌گذاران قابل سرمایه‌گذاری نیست، مگر با کسب اجازه از ایشان قبل از سرمایه‌گذاری، یا حداقل به اطلاع ایشان رساندن اینکه با پولشان چه برنامه‌ای قرار است انجام شود. در قانون بانکداری بدون ربا اصل مبلغ سپرده سرمایه‌گذاران تضمین شده، ولی خود این موضوع با برنامه مشارکت منتقدان هماهنگی ندارد. به هر صورت با اطمینان می‌توان گفت هیچ سپرده‌گذار عاقلی پول خود را به مؤسسه‌ای که سابقه کافی در امر سرمایه‌گذاری نداشته و در رشته‌ای وارد می‌شود که امکان خروج از سرمایه‌گذاری تقریباً ناممکن است را نخواهد داد (اصول مشارکت در صندوق‌های مشاع دیده شده است ولی در این نوع فعالیت‌ها عامل سرمایه‌گذاری- مدیر صندوق- می‌تواند هر زمان که اراده کند از سرمایه‌گذاری خارج شود لیکن در مورد طرح‌های سرمایه‌گذاری شده توسط بانک‌ها، این موضوع امکان‌پذیر نیست). خلاصه مطلب اینکه اصول بانکداری بین‌المللی اجازه به ریسک گذاشتن پول سپرده‌گذاران را به بانک‌ها نمی‌دهد و به نظر می‌رسد اگر هدف استفاده منابع سپرده‌گذاران در امر سرمایه‌گذاری باشد (همان‌طور که توضیح داده شد، به مراتب ریسکی‌تر از اعطای تسهیلات است) از نظر انصاف و شرع نیز می‌بایست تأیید قبلی سپرده‌گذاران گرفته شود.

۳-۴- نقش عقود مشارکتی در سیستم بانکی

حال که نقطه مقابل نظر منتقدین مطرح گردید و توضیح داده شد که اصولاً بانک‌های سپرده‌پذیر نباید در عقود مشارکتی وارد شوند، پس نقش عقود مشارکتی در سیستم بانکی چه می‌تواند باشد؟ هم‌اکنون تعدادی از بانک‌های اسلامی به‌ویژه در بحرین تشکیل شده است که

مشابه صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشاع^۱ عمل می‌کنند. این صندوق‌ها وجوهی را از سرمایه‌گذاران وصول می‌کنند و در امر سرمایه‌گذاری در بازار بورس سهام کشورهای مختلف استفاده می‌کنند. این امر کاملاً شرعی و از نظر تئوری سرمایه‌گذاری و بانکی هم بدون اشکال است. سپرده‌گذاران با چشم باز وارد فعالیتی می‌شوند که ریسک بیشتری داشته و بی‌گمان سود مورد انتظار بیشتری نیز انتظار دارند. طریق دوم روش بانک توسعه اسلامی است که این بانک منابع خود را از سهامداران تجهیز می‌نماید و سپرده دریافت نمی‌کند. فرق روش اول و دوم این است که سهامداران بانک توسعه اسلامی، دولت‌ها هستند. در اولی اشخاصی حقیقی به هر صورت تا زمانی که مؤسسات از مردم سپرده نگیرند مشکلی وجود نخواهد داشت و این مؤسسات می‌توانند هم در عقود با نرخ ثابت از پیش تعیین شده فعال باشند و هم در عقود مشارکتی. روش سوم که باید در کشور خودمان انجام شود، چون ما فقط یک نوع بانک داریم (در کشورهای عربی، اندونزی، مالزی و غیره علاوه بر بانک‌های اسلامی بانک‌های سنتی نیز فعالیت می‌نمایند) روشی است که در غرب توسط مؤسسات بزرگ پولی و مالی انجام می‌گیرد. مثلاً در پیتزبورگ آمریکا ملون هلدینگ یک بانک سنتی به نام ملون بانک^۲ در زیرمجموعه خود دارد و یک صندوق مشاع^۳. بنابراین بانک‌های ما نیز می‌توانند عقود مشارکتی را در یک واحد مجزا به سرمایه‌گذاران و سرمایه‌پذیران ارائه کنند و در واحد دیگر عملیات بانکی را با عقود با نرخ ثابت از پیش تعیین شده به سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان ارائه نمایند.

۴-۴- الگوهای جدید بانکداری بدون ربا

با توجه به جدول شماره (۱) و این اصل که بانک‌ها می‌بایست بانکداری کنند نه سرمایه‌گذاری، الگوی جدید بانکداری بدون ربا تهیه گردید. عقود چهارده‌گانه که در بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳۶۳ آمده است به سه دسته تقسیم شده است که عبارتند از: عقود مبادله‌ای (اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، خرید دین و جعاله)، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مضاربه و مشارکت حقوقی) و سایر عقود که تقریباً استفاده نمی‌شوند.

¹ Mutual Funds

² Mellon Bank

در سال ۲۰۰۶ Bank of New York با Mellon Bank ادغام شد و فعالیت بانکی تجاری خود را تقلیل داد.

³ Dreyfus Corp

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد و در بخش بعدی نیز آمده است، با چهار عقد مبادله‌ای فوق تقریباً تمام نیازهای بانکی اشخاص حقیقی و حقوقی هماهنگ با بانکداری سنتی قابل اجراست.

در این صورت عقود مشارکتی نیز در شرکت وابسته به بانک (شرکت سرمایه‌گذاری) می‌تواند به‌خوبی اجرا شود و "بانکداری سنتی کاملاً شرعی" اجرا شود. از این طریق عقود مشارکتی به‌صورت مشارکت انجام می‌شوند. چون سرمایه‌گذاران در شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک‌ها دقیقاً آگاهند که چه نوعی سپرده‌گذاری (سرمایه‌گذاری) می‌کنند و سرمایه‌پذیران نیز دقیقاً مطلع هستند که شرکت سرمایه‌گذاری با آن‌ها مشارکت می‌کند.

همچنین در الگوی پیشنهادی بانکداری سنتی، چهار نوع عقد در سیستم بانکی کشور اجرا می‌شد، که هم آموزش آن ساده‌تر و هم هزینه‌های اداری کمتری برای اجرای آن لازم بوده است. جالب اینکه تمام فعالیت‌های بانکی شرعی می‌بود.

اصل و پایه این الگوی جدید، تعریف ساده نرخ سود^۱ بود که هزینه پول (با بهره اسمی) می‌بایست معادل تورم مورد انتظار به‌اضافه نرخ بهره واقعی که ۳ تا ۵ درصد است، باشد. متأسفانه با تعیین دستوری نرخ سود بانکی که هیچ رابطه‌ای با واقعیات اقتصادی از جمله تورم نداشت، کلیه بانک‌ها اعم از دولتی و خصوصی مجبور به ادامه روش قدیم شدند و احتمالاً قسمتی از عقود آن‌ها صوری و قابل انتقاد است. الگوی جدید ضمن شرعی‌بودن با نظریه‌های اقتصادی و مالی هماهنگی داشته و می‌توانست به‌صورت گسترده در کلیه کشورهای اسلامی اجرا شود و ما می‌توانستیم پیشنهاددهنده گسترده سیستم بانکی اسلامی باشیم. متأسفانه با ندانم کاری و اعتراض نابجا و اعمال روش دستوری تعیین نرخ بهره، این امکان از سیستم بانکی کشور گرفته شد.

۵-۴- مقایسه بانکداری سنتی و الگوی جدید بانکداری بدون ربا

منابع بانکی معمولاً به‌صورت موقت در اختیار سرمایه‌پذیر، اعم از شخص حقیقی یا حقوقی قرار می‌گیرد. این منابع به‌صورت تسهیلات بوده و پس از یک دوره معین بازپرداخت می‌شود. برای مقایسه بانکداری سنتی و الگوی جدید بانکداری بدون ربا، ضروری است که نیازهای شرکت‌ها دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.^۲

^۱ Irving Fisher

^۲ تسهیلات به اشخاص برای خرید مسکن، لوازم منزل و یا هزینه‌های ضروری از طریق اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی یا تسهیلات قرض الحسنه امکان‌پذیر است.

اگر ترازنامه یک شرکت تولیدی، کشاورزی، خدماتی و یا بازرگانی بررسی شود، اقلام عمده زیر در طرف دارایی‌ها و بدهی‌ها مشاهده می‌شود.

(i) دارایی‌ها: نقد و بانک‌ها، بدهکاران، اسناد دریافتی، موجودی انبار، زمین و ساختمان و ماشین‌آلات و سایر دارایی‌ها. این دارایی‌ها باید توسط منابع اعتباری، استقراضی یا سرمایه‌ای تأمین شود که عبارتند از:

(ii) بدهی‌ها: تسهیلات کوتاه‌مدت بانکی، بستانکاران، اسناد پرداختی، تسهیلات بلندمدت بانکی، اوراق قرضه یا مشارکت، سرمایه و منابع داخلی شامل سود تقسیم نشده و اندوخته.

دو نکته اساسی در مورد ترازنامه را باید مورد توجه قرار داد:

(i) در قسمت دارایی‌ها هر چه از نقد و بانک‌ها بیشتر به طرف سایر دارایی‌ها حرکت کنیم اصولاً قابلیت نقدشدن دارایی مشکل‌تر و درصد بازیافت آن کمتر است.

(ii) در قسمت بدهی‌ها با توجه به دوره بازپرداخت و وثیقه‌های احتمالی هر چه از تسهیلات کوتاه‌مدت بانکی به طرف سود تقسیم نشده و اندوخته حرکت می‌کنیم، ریسک بازیافت بیشتر شده و سود مورد انتظار از شرکت بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر چون سهامدار یا سرمایه‌دار به مراتب از بانک تسهیلات‌دهنده ریسک بیشتری تقبل کرده است، الزاماً انتظار بازده بیشتری نیز خواهد داشت.

حال در بانکداری سنتی، بانک تسهیلات کوتاه‌مدت یا بلندمدت را با نرخ ثابت اعطاء کرده و متوسط هزینه تأمین مالی پائین‌تر و تسهیلات گیرنده روی منحنی مطلوبیت بالاتر قرار می‌گیرد. درالگوی جدید بانکداری بدون ربا با محدودکردن تسهیلات بانکی به چهار عقد فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین و جعاله کلیه دارایی‌های یک شرکت (به استثنای وجه نقد و بانک‌ها) قابل تأمین است.^۱ در نتیجه هزینه تأمین مالی از طریق بانک تجاری اسلامی مشابه بانک سنتی می‌شود.

^۱ با توجه به منابع مختلفی که در اختیار شرکت‌ها خصوصاً سرمایه، سود تقسیم نشده و اندوخته می‌باشد، وجه نقد می‌بایست از یکی از این طرق تأمین گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- اول- چون منابع بانکی سپرده‌های مردمی است و اکثریت مردم حاضر به سرمایه‌گذاری ریسکی نیستند، بانک‌ها باید از ورود به فعالیت‌های ریسکی و عقود مشارکتی اجتناب پذیرند.
- دوم- با چهار عقد فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین و جعاله می‌توان بانک اسلامی با عملیات کاملاً شرعی داشت و در همان حال تمام مزایای بانک سنتی را نیز دارا بوده و هزینه تأمین مالی برای تسهیلات گیرندگان را سنگین نکرد.
- سوم- بانکی که از عقود مشارکتی استفاده می‌کند نه در مورد سپرده‌گذاران درست عمل می‌کند و نه در حق تسهیلات گیرندگان صالح است. عقود مشارکتی باید در شرکت سرمایه‌گذاری متمرکز شود.
- چهارم- اصول فوق وقتی قابل اجراست که عرضه و تقاضای نرخ سود (بهره) را تعیین کند. بانک مرکزی نظارت کامل بر فعالیت بانکی داشته و تورم از طریق اعمال سیستم‌های پولی و مالی صحیح تقلیل یابد.
- پنجم- شفافیت بازار، بیشتر باعث آزادی اقتصادی روش‌های تأمین مالی از طریق بازار سرمایه می‌شود که سبب خواهد شد فشار روی سیستم بانکی تعدیل شود.

کتاب‌نامه

Fisher, Irving: *The Theory of Interest*, Macmillan. New York, 1930.

H.Markowitz: *Portfolio Selection: Efficient Diversification of Investments*, Wiley, 1959.

Miller, Merton H.; Modigliani-Miller Propositions. *After Thirty Years*, 1993.

Modigliani, Franco; and Merton H. Miller: *The Cost of Capital, Corporation Finance and the Theory of Investment*, American Economic Review, June 1958.

Sharpe, W. F: *A Simplified Model for Portfolio Analysis*, Management Science, January, 1963.

Tobin, James; *Liquidity Preference as Behavior Towards Risk*, Review of Economic Studies, 1958.